

جنگ تمام عیار

سردار محمدنبی رودکی فرمانده لشکر ۱۹ فجر فارس از روزهای مقاومت می گوید

تا چهل گردان مجروح داشتند و شهید داده بودند. ما کربلای ۵ را با ۲۲۰ گردان آغاز کردیم و اگر ۱۵۰ گردان دیگر داشتیم تازه به اندازه همان ۳۵۰ گردان می شد و ما می توانستیم حملات را به سمت بصره ادامه دهیم. اما به هر حال این قدر بود. نیروها از منطقه خرمشهر به منطقه عملیاتی زید و شرق بصره (یعنی منطقه تک پشتیبانی در کربلای ۴) منتقل شدند تا نهایتاً در ساعت یک و ۱۵ دقیقه بامداد ۱۹ دی ۶۵ عملیات کربلای ۵ با رمز مقدس «یا فاطمه الزهرا(س)» آغاز شد. نیروهای ما توانستند دوباره منطقه ۵ ضلعی را بگیرند. یکی از این لشکرها لشکر ۱۹ فجر بود که قبلاً در این عملیات حضور داشت و دارای تجربه بود. لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی سردار قاسم سلیمانی، ۲۷ محمدرسول الله به فرماندهی سردار محمد کوثری، لشکر ۱۰ سیدالشهدا به فرماندهی سردار علی فضلی، لشکر ۳۱ عاشورا به فرماندهی امین شریعتی، لشکر ۵ نصر به فرماندهی محمدباقر قالیباف، ۲۵ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی، ۸ نجف به فرماندهی شهید احمد کامپی، ۱۴ امام حسین به فرماندهی شهید حسین خرازی، ۳۳ المهدی به فرماندهی سردار جعفر اسدی و همچنین تیپ ۴۸ فتح، تیپ ۲۱ امام رضا، ناوتیپ امیرالمومنین از بوشهر، لشکر قدس گیلان و تیپ الغدیر از یزد در این عملیات حضور داشتند. یگان های دیگر نیز مثل توپخانه، جهاد سازندگی استان ها، قرارگاه مهندسی صراط به فرماندهی شهید محسن صفوی و همچنین توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش در این عملیات حضور داشتند. البته تیپ ها و لشکرهای ارتش در آن مقطع در منطقه دیگری بودند و عملیات کربلای ۵ توسط یگان های سپاه انجام شد. البته یک نکته دیگر را هم باید در اینجا اشاره کنم. در عملیات کربلای ۵، برادر محسن رضایی فرمانده سپاه نامه ای به امام(ره) نوشت و درخواست کرد برخی یگان های زرهی ارتش برای ادامه عملیات در اختیار سپاه قرار بگیرند که تعدادی از آنها مأمور شدند و ما در کربلای ۵ در اوایل سال ۶۶ از آنها استفاده کردیم. البته برخی از خدمه با نیروهای پاسدار و بسیجی جایگزین شدند تا هماهنگی بیشتر شود.

دشمن در کربلای ۵ غافلگیر شد

به رغم اینکه ما در کربلای ۵ تلفات زیادی دادیم، ولی ضربات سنگینی هم بر ارتش دشمن وارد شد. دستاورد کربلای ۵ برای ما چه بود؟

در کربلای ۵ دشمن غافلگیر شد و ما توانستیم طی ۴۵ شبانه روز جنگ تمام عیار، با تمامی حملات دشمن که شامل ۱۳۰ تیپ از ارتش عراق بود، مقابله کنیم و جواب آنها را بدهیم؛ به طوری که دشمن ناامید شد و ۱۳۰ تیپ آن بین

در جریان عملیات کربلای ۴ که همزمان در دو منطقه عمومی خرمشهر و شلمچه انجام شد، به رغم شکست در منطقه اصلی، یگان های عمل کننده در شلمچه (به عنوان منطقه تک پشتیبانی) توانستند ضمن شکستن خطوط دشمن، برخی مناطق را به تصرف خود درآورند. ولی همین یگان ها نیز به دلیل شکست عملیات در منطقه اصلی، با دستور فرماندهی عقب نشینی کردند. یکی از این یگان ها لشکر ۱۹ فجر استان فارس به فرماندهی سردار «محمدنبی رودکی» بود. در گفت و گو با وی ضمن بررسی آن مقطع، به مرور عملیات کربلای ۵ نیز که به فاصله کوتاهی از کربلای ۴ در ۱۹ دی ماه سال ۶۵ انجام شد پرداختیم. سردار رودکی هم اکنون ریاست پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس را برعهده دارد.

رضایی این طور تدبیر کرده بود که این منطقه دست نخورده بماند و عراق به آنجا حمله نکند تا بتوانیم از این منطقه برای انجام عملیات بعدی یعنی کربلای ۵ استفاده کنیم.

از غرور عراقی ها استفاده کردیم

حدود ۲ هفته پس از شکست در کربلای ۴، عملیات بزرگ دیگری به نام کربلای ۵ اجرا شد. چطور توانستید نیروها را در این فاصله کوتاه به لحاظ روحی و روانی آماده کنید؟ و چطور این بار در همان منطقه موفق عمل کردید؟

اولاً تدبیر، ترغیب و تشویق حضرت امام(ره) نسبت به نیروها پس از عملیات کربلای ۴ برای شرکت در کربلای ۵ بسیار تعیین کننده بود. در ثانی در این فاصله ۱۴ روز بین دو عملیات، یعنی از ۴ دی تا ۱۸ دی ۶۵، جلسات زیادی با یگان ها و لشکرها صورت گرفت و تدبیر بر این شد که عراق را آرام نگذاریم. در واقع عراقی ها بعد از پیروزی در کربلای ۴ بسیار خوشحال بودند. حتی برای فرماندهان عراقی بلیت سفر به مکه گرفته شد. تشویق شدند و سه روز در عراق جشن گرفتند اما حضرت امام(ره) فرمودند اینها مغرور شده و مست پیروزی هستند و با تعبیر این چنینی امام(ره) و همچنین جلسات متعدد، تصمیم برای عملیات بعدی گرفته شد. برای مثال در ۱۰ دی ۶۵، فرماندهان لشکرهای حاضر در کربلای ۴ با مرحوم هاشمی رفسنجانی جلسه گذاشتند که نوار این جلسه موجود و اسناد روایان آن نیز در دسترس بوده و مورد بررسی نیز قرار گرفته است. لشکرها گزارش دادند و نهایتاً تصمیم بر این شد که عملیات دیگری در همان منطقه تک پشتیبانی (شرق بصره) انجام شود. بلافاصله لشکرها نیروهایی را که در عملیات قبلی حضور داشتند ساماندهی کرده و حمله آغاز شد.

برای فتح بصره ۵۰۰ گردان نیاز داشتیم

چند گردان برای کربلای ۵ آماده کردید؟ جایی خواندم که برای انجام عملیات ۳۵۰ گردان لازم بود. ما در کربلای ۴ توانسته بودیم ۲۶۰ گردان نیرو آماده کنیم. هر چند نیاز ما شاید چیزی حدود ۳۵۰ گردان بود و البته برای فتح بصره ۵۰۰ گردان نیاز داشتیم. از ۲۶۰ گردان حاضر در کربلای ۴، سی

دیگر، دسته های ۲۲ نفره را که باید در دو قایق می نشستند به دو دسته ۹ نفره تبدیل کردیم تا قایق سبک تر شود. همه این موارد در مانور مشابه در پشت خط خودی تست شد و ما ۲ ماه غواص ها را آموزش دادیم تا چطور از این آب رد شوند چون نه می توانستند شنا کنند و نه می توانستند بایستند چون عراق آنها را کاملاً در دید داشت.

تیم های اطلاعاتی تا دز عراقی ها را شناسایی کردند

آموزش ها کجا انجام می شد؟
این آموزش ها در فصل سرما در پایان پاییز و ابتدای زمستان، در خوزستان (در سد دز) و در شوشتر (در سد گتوند) انجام شد. سرما به حدی بود که گاهی این غواص های جوان از شدت سرما و سختی کار غش می کردند. برای حل این مشکل تیمی را به تهران فرستادیم و آن ها موادی تهیه کردند که کوهنورد ها در سرمای زیر صفر درجه برای گرم شدن از آن استفاده می کنند. این مواد و این قرص ها را در داخل لباس غواص ها می گذاشتیم تا چند ساعت گرم باشند. این آموزش ها با دقت انجام شد و شناسایی ها هم خوب و دقیق بود و تیم های شناسایی ما از زیر ۴۰ ردیف سیم خاردار به دز عراقی ها می رسیدند و منطقه را به دقت شناسایی می کردند تا نیروها در شب عملیات گم نشوند.

عقب نشینی کردیم تا به دشمن ضربه بزنیم

به رغم شکست زود هنگام عملیات در منطقه اصلی، ولی شما در منطقه پشتیبانی موفق عمل کردید. با این حال تقریباً همزمان با شکست منطقه اصلی (شاید چند ساعت دیرتر) شما هم منطقه تان را ترک کرده و به عقب برگشتید. این عقب نشینی چرا صورت گرفت؟

دشمن در منطقه تک اصلی هوشیار بود و به نوعی عملیات لو رفته بود ولی در منطقه تک پشتیبانی، نه تنها دشمن هوشیار نشد، بلکه غافلگیر شد و ما در کمال غافلگیری توانستیم خط را بشکنیم و تقریباً پنج ضلعی را تصرف کنیم اما به دلیل شکست و عدم الفتح در منطقه تک اصلی، لشکرهای ما نیز در منطقه تک پشتیبانی به دستور فرماندهی، در نیمه های شب به عقب برگشتند. ما بعداً فهمیدیم فرماندهی سپاه یعنی برادر محسن

غواص ها خط شکن بودند

عملیات کربلای ۴ در دو منطقه اجرا شد. یکی منطقه اصلی در خرمشهر و دیگری در شلمچه. شما به همراه لشکر تحت امر خود یعنی ۱۹ فجر در منطقه شلمچه عملیات کردید که منطقه اصلی نبرد نبود. در شلمچه چه هدفی را دنبال می کردید؟
اگر اجازه بدهید من در ابتدا مروری داشته باشم بر روند اجرای عملیات کربلای ۴. همانطور که می دانید، این عملیات در چهارم دی ماه سال ۶۵ در منطقه عمومی خرمشهر آغاز شد که در حقیقت در دو منطقه عملیاتی به عنوان تک (حمله) اصلی و تک پشتیبانی صورت گرفت که حمله و تک اصلی یا به عبارتی تلاش اصلی در منطقه ام الرصاص در رودخانه اروند بود که درست روبه روی خرمشهر و روبه روی دهانه کارون قرار داشت. روخانه اروند در برخی مناطق بیش از یک کیلومتر عرض دارد و در آن جزایری نظیر ام الرصاص، قطعه، سهیل، ام البابی و جزایر دیگر مثل بوارین وجود داشت که باید از آن عبور کرده و به سمت ساحل دشمن در ابوالخصب و تا بصره پیشروی می کردیم. این منطقه برای تک اصلی در نظر گرفته شده بود. همزمان برای فریب دشمن، یک تک پشتیبانی نیز در منطقه شرق بصره، منطقه عمومی پاسگاه زید عراق، پاسگاه کوت سواری و پاسگاه بوبیان در فاصله ۲۰ کیلومتری در منطقه پنج ضلعی و شلمچه در نظر گرفته شد که ۲ لشکر ۱۹ فجر به فرماندهی بنده و ۵۷ ابوالفضل به فرماندهی سردار نوری (جانشین فعلی فرمانده نیروی زمینی سپاه) در آن حاضر بودند و بقیه لشکرهای سپاه در منطقه تک اصلی حضور داشتند. برای انجام عملیات، آموزش های لازم صورت گرفت؛ چرا که خط در ابتدا باید توسط غواص ها می شکست و این غواص ها باید از انواع موانع مثل سیم های خاردار، هشت پری ها و آهن آلاتی که در آن مقطع به آن ها «خرکی» می گفتند و عراقی این ها را به هم جوش داده بود رد می شدند. علاوه بر این، سنگرهای بتونی نیز در اروند و در دهانه شلمچه ساخته شده بود و مین گذاری هایی هم در خشکی و جلوی خط تعبیه کرده بودند. عراقی ها روی همه این موانع آب رها کرده بودند و ما باید غواص ها را از این منطقه در تک پشتیبانی (یعنی در منطقه پاسگاه زید و شرق بصره) به جلو می فرستادیم و بعد گردان های خود را با قایق از روی آب که در دشت رها شده بود، عبور می دادیم.

عمق آبی که در دشت رها کرده بودند چقدر بود؟

عمق این آب ۸۰ سانتیمتر تا یک متر بود و وقتی نفرات روی قایق سوار می شدند، به دلیل سنگینی آن، موتور قایق با کف آب برخورد می کرد. ما در آن مقطع قایق های پایه کوتاه هم نداشتیم چون به ما نمی دادند. بچه های دریایی لشکر فجر از فارس ابتکاری کردند و تخته هایی زیر سکان قایق ها گذاشتند تا این سکان کمی بالا بیاید. از طرف